

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرابع : من المفطرات الاستهناء ، أى انزال المنى متعمدا بلامسة أو قبلة أو تفخيذ أو تصوير صورة الواقعة أو تخيل صورة امرأة أو نحو ذلك من الأفعال التى يقصد بها حصوله ، فانه مبطل للصوم بجميع افراده ، و اما لو لم يكن قاصدا للانزال و سبقه المنى من دون ايجاد شىء مما يقتضيه لم يكن عليه شىء .

در آخر کتاب حدود که در جلد ۱۸ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است صاحب وسائل برای چیزهایی که حد معینی ندارند مثل استهناء و وطی بهائم و امثال اینها یک بابی معین کرده است که باب تعزیر می باشد و در آنجا روایاتی درباره بحث ما که در مورد استهناء می باشد ذکر کرده است که باید به آنها توجه کنیم ، باب مذکور باب ۳ از ابواب نکاح البهائم و الأموات و الاستهناء می باشد و خبر اول باب که در ص ۵۷۴ از جلد ۱۸ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است این خبر می باشد ؛ محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن یحیی اشعری قمی ؛ که از محدثین بزرگ می باشد ، عن احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی ، عن محمد بن سنان ؛ که محل بحث است ولی ما او را ثقه می دانیم و در کتاب الفوائد الرجالیه که متعلق به بحر العلوم است وثاقت او ثابت شده است ، عن طلعة بن زید ؛ که شیعه امامیه نیست بلکه عامی المذهب است و بعضی ها گفته اند که زیدیه می باشد ولی آیت الله خوئی در جلد ۹ معجم الرجال دارد که ایشان هر چند که عامی است ولی از نجاشی نقل شده که له کتاب معتمد ، بعضی از روایات عامی بوده اند ولی با ائمه (ع) ارتباط داشته اند و کتابهایشان مورد اعتماد فقهای ما بوده ، عن أبی عبدالله (ع) أَنَّ امیر المؤمنین (ع) أتى برجل عبث بذکره ، فضرب یده حتى احمرت ، ثم زوجہ من بیت المال . این خبر هم به مطلب ما نحن فیه اشاره دارد و هم به این مطلب اشاره دارد که حاکم شرع به عنوان زعیم مسلمانان وظیفه ای در مورد مجردین دارد یعنی وظیفه دارد که وسائل ازدواج جوانان بالأخص چنین افرادی را از بیت المال فراهم کند . خبر دوم از این باب هم بر همین مطلب دلالت دارد . اما در مورد خبر سوم باشد عرض کنیم که سنی ها استهناء را مبطل صوم نمی دانند و شاید حرام هم ندانند ، در بحث صوم بعضی

از روایات هستند که می گویند این کار اشکالی ندارد و روزه را باطل نمی کند فلذا سید مرتضی در کتاب الانتصار دارد که از جمله متفردات امامیه این است که ما امامیه استهناء را مبطل صوم می دانیم ولی سنی ها آن را مبطل صوم نمی دانند فلذا شاید خبر سوم از همان اخبار باشد . اما خبر چهارم باب که خبر مهمی می باشد این خبر است : « احمد بن محمد بن عیسی فی نوادره عن ابیه ، قال : سئل الصادق (ع) : عن الخضضة ؟ فقال : إثم عظیم قد نهی الله عنه فی کتابه ، و فاعله کناکح نفسه ، ولو علمت بما یفعله ما أکلت معه ، فقال السائل : فبین لی یابن رسول الله من کتاب الله فیه قال : قول الله : (فمن ابتغى وراء ذلك فألأئك هم العادون) و هو مما وراء ذلك ، فقال الرجل : أیما اکبر ؟ الزنا؟ أو هی؟ فقال : هو ذنب عظیم ، قد قال القائل بعض الذنب أهون من بعض والذنوب كلها عظیم عند الله لانها معاصی و أن الله لا یحب من العباد العصیان ، وقد نهانا الله عن ذلك لانها من عمل الشيطان ، و قد قال : لا تعبدوا الشيطان (إن الشيطان لکم عدو فأتخذوه عدواً إنما یدعوا حزبه لیکونوا من اصحاب السعیر) . این روایت از این جهت مهم است که امام صادق (ع) در آن طریق استنباط را به ما یاد می دهد و در آن علاوه بر اینکه خود حضرت از عمل استهناء نهی کرده اند در جواب سائل طریقه استنباط حرمت استهناء از آیه شریفه مذکور در روایت را هم بیان کرده اند ، بنابراین با توجه این روایاتی که تا به حالا خواندیم معلوم شد که از نظر ما استهناء معصیت است و حدش هم باید جزء تعزیرات جاری شود و علاوه همانطور که در روایات آمده بود باید حاکم شرع از بیت المال وسائل ازدواج شخص استهناء کننده را فراهم کند . چهارمین از مفطرات صوم یعنی استهناء مورد بحث ما بود ، صاحب وسائل روایات مربوط به استهناء را در دو باب ذکر کرده ، یکی باب ۴ از ابواب ما یمسک عنه الصائم بود که در ص ۲۵ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده بود ، دیروز روایات ۱ و ۲ و ۳ از این باب را خواندیم که در آنها آمده بود : « علیه من الکفارة مثل ما علی الذی یجامع » : بنابراین یستفاد از این روایات که استهناء مثل جماع روزه را باطل می کند و باید بعدا روزه اش را قضا کند و کفاره هم به گردنش می باشد ، البته در این روایات آمده بود که اگر چند کار خاصی را انجام دهد استهناء محسوب می شود ولی عرف می فهمد که اینها خصوصیت ندارند و صاحب عروة هم گفتند هر کاری را که موجب انزال منی می شود باید ترک کند و اگر انجام دهد استهناء محسوب می شود و روزه

الشبق را از بوسیدن مرثه و جاریه نهی کرده است زیرا او از انزال منی ایمن نخواهد بود .

خبر پنجم باب این خبر است : « قال : و قال امیر المؤمنین (ع) : اما یستحیی احدکم أن لا یصبر یوما الی اللیل ، إنه کان یقال : إن بدو القتال اللطام ، و لو أن رجلا لصق باهله فی شهر رمضان فادفق کان علیه عتق رقبة » . این روایت از صدوق نقل شده و جزء مرسلات او می باشد ، حضرت در این روایت مثالی می زند و می فرمایند که ابتدای جنگ با لطام (زدن به صورت با باطن دست) شروع می شود کنایه از این که اگر شخصی به زنش نزدیک شود احتمال دارد که شروع به ملامت کند و بعد دچار انزال منی شود فلذا حضرت می فرمایند که این کار را نکند و این روایت هم محمول بر آن صورتی است که شخص بداند و یا اطمینان داشته باشد و یا اینکه عادت بر خروج منی داشته باشد فلذا اگر این کار را بکند روزه اش باطل می شود و باید آن را قضا کند و کفاره هم بدهد .

خبر ششم باب این خبر است : « و باسناده عن سماعة أنه سأل ابا عبدالله (ع) عن الرجل یلصق باهله فی شهر رمضان ، فقال : ما لم یخف علی نفسه فلا بأس » . این خبر هم دلالتش معلوم است یعنی اگر ترس از انزال نداشت اشکالی ندارد ولی اگر خوف از انزال داشته باشد نباید این کار را انجام دهد .

خبر هفتم باب این خبر است : « و باسناده عن محمد بن مسلم ، عن ابي جعفر (ع) أنه سأل عن الرجل یجد البرد أ یدخل مع اهله فی لحاف و هو صائم ؟ قال : یجعل بینهما ثوبا » . این روایت هم محمول بر یکی از صور چهارگانه ای است که عرض کردیم فلذا روایات ما بعضها یفسر بعضها که این به همین ترتیب می باشد .

خبر نهم باب این خبر است : « و فی العلل عن ابيه ، عن سعد ، عن احمد بن محمد بن عیسی ، عن الحسين باسناده رفعه قال : جاء رجل الی امیر المؤمنین (ع) فقال : اقبل و انا صائم ؟ فقال : اعف صومک فان بدء القتال اللطام » . دلالت این روایت هم مشخص است و می گوید که اگر به مرثه نزدیک شوی ممکن است که انزال کنی . اخبار ۱۱ و ۱۳ و ۱۵ از این باب هم بر همین مطلب دلالت دارند و بعضی از اخبار گفته اند که این کار اشکالی ندارد و آن در جایی است که شخص صائم مطمئن است که انزال منی نخواهد کرد و قد سبقه المنی ، ولی اگر مطمئن نیست نباید این کار را انجام دهد زیرا اگر از او

اش باطل می شود فلذا ذکر چند مورد خاص که در روایت آمده خصوصیت ندارد .

اما خبر ۴ از همین باب ۴ این خبر است : « و باسناده عن احمد بن محمد ، عن محمد بن الحسين ، عن عثمان بن عیسی ، عن سماعة قال : سألته عن رجل لزق بأهله فأنزل ، قال : علیه اطعام ستین مسکینا مد لكل مسکین » . اخبار را باید با هم جمع کنیم تا صورتی که عرض کردیم روشن شود ، همانطور که می دانید یک صورت این است که انسان بداند منی خارج خواهد شد و صورت دیگر آن است که انسان عادت بر انزال منی داشته باشد و یک صورت هم این است که انسان اطمینان دارد که منی از او خارج خواهد شد و صورت آخر هم این است که اطمینان ندارد و احتمال ضعیفی می دهد که منی از او خارج شود که در این صورت اشکالی ندارد ، این روایت هم مثل بقیه روایات باب دلالت دارد بر اینکه استمناء صائم روزه را باطل می کند مگر اینکه جزء صورت آخر باشد .

همچنین روایات دیگری درباره استمناء در باب ۳۳ از ابواب ما یمسک عنه الصائم که در ص ۶۸ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است وجود دارد که با خواندن آنها مطلب کاملا روشن می شود ، خبر اول از این باب این خبر است : « محمد بن یعقوب ، عن علی بن ابراهیم ، عن ابيه ، و عن محمد بن یحیی ، عن احمد بن محمد جمیعا ، عن ابن ابي عمیر ، عن حماد ، عن الحلبي ، عن ابي عبدالله (ع) أنه سئل عن رجل یمس من المرثة شیئا أ یفسد ذلک صومه أو ینقضه ؟ فقال : إن ذلک لیکره للرجل الشاب مخالفة أن یسبقه المنی » . در این روایت حضرت می فرمایند که این کار برای جوانی که از حال خودش مطلع است و می داند که اگر این کار را انجام بدهد منی از او خارج خواهد شد ناپسند است و نباید آن را انجام دهد .

خبر سوم باب این خبر است : « و عن عدة من اصحابنا ، عن احمد بن محمد ، عن علی بن الحکم ، عن داود ابن نعمان ، عن منصور بن حازم قال : قلت لابی عبدالله (ع) : ما تقول فی الصائم یقبل الجارية و المرثة ؟ فقال : اما الشیخ الکبیر مثلی و مثلك فلا بأس ، و اما الشاب الشبق فلا ، لانه لا یؤمن ، م القبلة إحدى الشهوتین ، قلت : فما تری فی مثلی یكون له الجارية فیلایعها فقال لی : إنک لشبق یا با حازم الحدیث » . شبق به کسی می گویند که اشتیاق زیادی به شهوت دارد و حضرت در این روایت شاب

منی خارج شود روزه اش باطل می شود ، خوب اینها روایاتی درباره استمناء بودند که خدمتتان عرض شد .
 یک مطلب می ماند و آن اینکه سید مرتضی در کتاب انتصار می فرماید : « مَمَّنْ خَرَجَتْ بِهِ الْإِمَامِيَّةُ الْقَوْلُ فِي إِجَابِ الْقَضَاءِ وَ الْكُفَّارَةِ عَلَى مَنْ تَعَمَّدَ انْزَالَ الْمَاءَ بِغَيْرِ جَمَاعٍ لِأَنَّ بَاقَ الْفُقَهَاءِ يَخَالِفُ وَ قَدْ رَوَى عَنْ مَالِكٍ يَقُولُ كُلُّ أَفْطَارٍ مَعْصِيَةٌ وَ يُوجِبُ الْكُفَّارَةَ وَ انْزَالَ الْمَاءَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَعْصِيَةٌ وَ دَلِيلُنَا الْإِجْمَاعُ »....

والحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد وآله الطاهرين